



کارشناسان سیاسی در گفت و گوبا «ایران» ضرورت آمادگی در برابر تهدیدات را بررسی کردند

بازدارندگی اجتماعی همپای توانمندی دفاعی

گزارش

دلسوز باید راه‌های تقویت کشور را پیدا و دنبال کند، چرا که در صورت قوی شدن، طرف مقابل دیگر حتی تهدید هم نمی‌کند.»

رهبان شهید همچنین در پیام تلویزیونی خطاب به ملت ایران در آستانه چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی هم تأکید کردند: «قدرت ملی پیش از آنکه به موشک و هواپیما ارتباط داشته باشد، باز از آنکه ملت‌ها و ایستادگی ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند. شما جمدالله در قضایای مختلف ایستادگی را نشان داده‌اید، اراده خودتان را نشان داده‌اید؛ باز هم نشان بدهید و دشمن را مأیوس کنید. تا دشمن مأیوس نشود، یک ملت در معرض آزار و اذیت قرار می‌گیرند؛ باید دشمن را مأیوس کرد. مأیوس بودن دشمن، با اتحاد شما است، با قدرت فکری و اراده المللی را نشان داده است، با انگیزه شما است، با ایستادگی در مقابل وسوسه‌های دشمن است؛

اینها قدرت ملی را تشکیل می‌دهد.»

تیلور این سخنان و دیدگاه‌ها در همین اتفاقات یک‌سال گذشته به‌خوبی عیان شد. آنچه که تاکنون دشمنان متجاوز به ایران اسلامی می‌کردند ۱۲روزه و جنگ رمضان، ریشه در همین قدرت ملی متنوع با بازدارندگی ترکیبی جمهوری اسلامی داشت. در کنار توانمندی‌های نیروهای مسلح،

حضور مردم در صحنه و احیای انسجام داخلی، هم‌افزایی و همکاری ملی بین‌بخشی در نهادهای مختلف کشور، پیش‌بینی تأمین نیازمندی‌های معیشتی و کالا‌های اساسی و... دخیل بودند. همه این مؤلفه‌ها دست به دست هم دادند تا رویای فروپاشی نظام سیاسی و شورش اجتماعی داخلی در پی مبارزان‌ها محقق نشود.

بنابراین برآهه نیست اگر گفته شود، اهمیت

بازدارندگی داخلی در مقابل تهدیدها و تجاوزهای خارجی کمتر از بازدارندگی دفاعی و نظامی نیست. در همین اتفاقات اخیر اگر نبود وحدت ملی ایجاد شده حول دفاع از ایران، چه بسا مقاومت و ایستادگی نیز نتایج فعلی را به دنبال نداشت. بخصوص که دشمنان آمریکایی-صهیونی حساب ویژه‌ای هم روی تحولات داخلی باز کرده بودند. در این میان البته نباید این واقعیت را نیز نادیده گرفت که این حساب باز کردن دشمنان، مبتنی بر مجموعه‌ای از رخدادها، عملکردها، ناآرامی‌ها و مواضعی بود که بر وحدت داخلی و انسجام ملی خدشه وارد کرده بود. یکی از این مجموعه، حوادث تلخ ده‌ماه سال گذشته بود که به بسا دشمن را برای حمله تحریک کرد. اما هنگامی که ایرانیان کرد ایران جمع شدند و خیابان‌ها، میدان‌ها، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را صحنه تجمعات انسجام‌بخش خود کردند، دشمن هم ناگزیر از پذیرش آتش‌بس و تن دادن به مذاکره شد.

در همین ارتباط دیدگاه برخی کارشناسان سیاسی و فعالان حزبی را در درباره اهمیت بازدارندگی داخلی جویا شده‌ایم. محور مشترک این دیدگاه‌ها تأکید بر این نکته است که نباید از قدرت نرم و انسجام داخلی غفلت کرد. به گفته آنها با اصلاح برخی رویه‌های نادرست، پرهیز از قطعی‌سازی حول مناقع حزبی و جناحی و ترجیح آنها به منافع ملی، پذیرش و به‌رسمیت شناختن تنوع و تکثر فرهنگی و سیاسی جامعه و برقراری ثبات و آرامش اقتصادی ... باید این انسجام ملی را حفظ و تقویت کرد تا در کنار توانمندی‌های دفاعی کشور، مکمل بازدارندگی شوند.

دشمن در محاسبات خود می‌بیند که جامعه آماده مقاومت و دفاع است. مثال: مشارکت گسترده مردم در مواقع بحرانی (جنگ یا تحریم) نشان‌دهنده قدرت «بشپتیانی» مردمی از نظام» است. نظیر آنچه از ابتدای جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران هر شب شاهد حضور گسترده مردم در خیابان‌ها و میدانی شهرها و روستاها هستیم. مشروعیات سیاسی و اعتماد عمومی به اعتماد مردم به حاکمیت اطلاق می‌شود که یکی از مهم‌ترین عناصر بازدارندگی داخلی است.

حکومتی که از حمایت مردمی برخوردار است، ثبات سیاسی دارد و دشمن نمی‌تواند از ناراضیاتی عمومی برای بی‌ثبات‌سازی بهره‌برداری کند. در این زمینه نقش مسئولان زده‌های مختلف در تأمین اعتماد عمومی بسیار مؤثر است و در مقابل هرگونه اقدام و عملی که منجر به کاهش اعتماد عمومی شود در بهره‌گیری دشمن از این بی‌اعتمادی مؤثر خواهد بود. یکی دیگر از عوامل بازدارندگی داخلی عبارت است از توان دفاعی بومی و قدرت نظامی ملی. ارتش مجبور، منابع دفاعی خودکفا، و نیروهای مردمی (مثل بسیج یا نیروهای داوطلب ملی) از اجزای حیاتی بازدارندگی داخلی‌اند. این نیروها پیام روشنی برای دشمن دارند و آن اینکه: «هزینه تجاوز بسیار سنگین است.» امنیت اقتصادی و تاب‌آوری در برابر تحریم یکی دیگر از عوامل بازدارندگی داخلی است. کشوری که بتواند نیازهای اساسی خود را مستقل از بیگانگان تأمین کند، از نظر اقتصادی در برابر تهدیدهای خارجی مقاوم است.

تولید ملی، خودکفایی در انرژی و غذا، و اقتصاد درون‌زا

بازدارندگی داخلی، ضرورتی هم‌تراز قدرت نظامی

بازدارندگی در حوزه دفاعی، عمدتاً بر مؤلفه‌هایی چون قدرت نظامی و توانمندی‌های سخت‌افزاری استوار است. اما در سال‌های اخیر، بحث از مفهومی فراتر از این رویکرد سنتی مطرح شده است یعنی «بازدارندگی درونی». این نوع از بازدارندگی، ریشه در عواملی ناملموس ولی ژرف‌ساخت دارد. عواملی همچون همبستگی ملی، انسجام اجتماعی و اتحاد جمعی. پرسش این است که آیا در جامعه ایران می‌توان از چنین ظرفیت‌هایی سخن گفت؟ ظرفیت‌هایی که حتی در میان سلاطین اندیشه‌ها و جناح‌های گوناگون جاری باشد نوعی ممنونیت درونی در برابر تهدیدهای بیرونی پدید آورد.

تحقق چنین بازدارندگی‌ای، بی‌تردید به چند عامل بستگی دارد، از جمله تعادل نیروهای اجتماعی، روحیه جمعی و سازوکارهای کنش و واکنش شهروندان در قبال بحران‌ها. در این میان، یکی



مصطفی هاشمی‌تبریز
معاون رئیس‌جمهور در دولت اصلاحات

از مهم‌ترین و در عین حال مغفول‌ترین مؤلفه‌ها، سبک زندگی و به‌طور مشخص الگوی اقتصادی حاکم بر جامعه است. جامعه ایران از نظر اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر است. نه صرفاً از جهت معیشت و سفره مردم، بلکه از نظر نوسانات ساختاری، بی‌ثباتی‌های مزمن و ائتلاف گسترده منابع. ائتلاف منابع، به‌ویژه در شرایطی که امکان دسترسی به بازارهای جهانی محدود می‌شود (مانند سناریوی محاصره دریایی)، تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی و بازدارندگی به‌شمار می‌رود. به عنوان نمونه، نزدیک به ۳۰ درصد محصولات کشاورزی کشور در زنجیره تولید تا مصرف از بین می‌رود. همچنین تولید بی‌ضابطه محصولات فانتزی و غیرضروری، در غیاب الگوی مشخص برای تولید ملی، موجب شده است که حجم بالایی از نیازهای اساسی از طریق واردات تأمین شود. در چنین شرایطی، اگر دشمن احساس کند که تحریم یا محاصره دریایی اثری بر حیثیات اقتصادی کشور ندارد، انگیزه‌ای برای اعمال آن نخواهد داشت. به عبارت دقیق‌تر، آسیب‌ناپذیری اقتصادی، خود یکی از ارکان اصلی بازدارندگی از این‌رو، سبک زندگی و الگوی مصرفی و تولیدی

مردم برخلاف ادعای مضحک متجاوزان، نسبت به اهداف واقعی آنان یعنی بلعیدن ایران و توطئه‌ها و شگردهای آنان هوشیار هستند. این نیز یکی از ابعاد مهم بازدارندگی است.

بعد دیگر بازدارندگی، حوزه سیاسی است که در دیپلماسی نمود پیدا می‌کند. همان‌طور که در میدان نظامی باید با تمام توان عمل کرد و این کار می‌تواند پیچیده‌تر است؛ به‌دلیل تسلط‌ها، فرب‌ها، خدعه‌ها و روش‌های متنوعی که دشمنان به کار می‌گیرند. این عرصه نیازمند بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های فکری و کارشناسی کشور است. دیپلماسی ضمن آنکه باید در امتداد میدان باشد، اما در عین حال روش‌های خاص خود را دارد و در نهایت، باید با حفظ اصول، شرایطی فراهم کند که کشور به آرامش برسد، تجاوز خنثی شود و مسیر به‌سوی صلح پایدار هموار گردد و این امر نیازمند تدبیر، پرهیز از هیجان زدگی، پرهیز از غرور کاذب و ابتکارعمل است. این نیز بعدی مهم و پیچیده از بازدارندگی است. اما نکته بسیار مهمی که این روزها با آن مواجه هستیم، این است که آمریکا و اسرائیل، به‌دلیل نداشتن ستاور، به‌دنبال راه‌هایی برای دستاوردهای هستند تا بتوانند به افکار عمومی خود و جهان بفروشند. آنان به‌طور مستمر در حال طراحی نقشه‌ها و توطئه‌های جدید، چه در حوزه نظامی و چه در عرصه سیاسی و دیپلماتیک، هستند. یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها، تلاش برای

انسجام ملی مؤلفه مهم بازدارندگی داخلی

بازدارندگی مفهومی گوناگونی و دارای ابعاد گوناگون است که در شرایط فعلی اهمیت آن در صورت برجسته‌تری قابل مشاهده است. تجاوز عظیمی که علیه کشور صورت گرفته، از جهات مختلف بی‌سابقه و قابل تأمل است و در برابر آن نیز مجموعه‌ای از عوامل در شکل‌گیری وضعیت بازدارنده نقش آفرینی کرده و می‌کنند. نخستین بعد بازدارندگی در حوزه نظامی است. نیروهای نظامی کشور با دفاعی شگفت‌انگیز و فراتر از پیش‌بینی‌ها، توانسته‌اند انواع مختلف این تهاجم را پاسخ دهند و تا حد زیادی آن را خنثی کنند. عملکرد این نیروها به‌گونه‌ای بوده که مهاجمان در دستیابی به نتایج ملموس، دچار سردرگمی هستند.

بعد دیگر و از جهتی مهم‌تر، نقش مردم است. مردم نشان دادند که با وجود همه مشکلات و برخی ناراضیاتی‌ها، به‌ویژه پس از وقایع ده‌ماه سال گذشته، می‌توانند میان مسائل داخلی و تهدید خارجی تفکیک قائل شوند. آنان در برابر خطری که متوجه اصل هویت ایرانی و تمامیت کشور است، واکنشی متفاوت نشان دادند. حضور در صحنه‌های مختلف، به‌ویژه در خیابان‌ها، در ماه رمضان با زبان‌روزیه و نیز در شب‌های متعدد در میدان‌ها، بیانگر مخالفت با این تجاوز خارجی و حمایت از رزمندگان کشور است. این رفتار نشان می‌دهد که



مرتضی‌ملیخ
معاون پیشین‌وزارت کشور

بازدارندگی نوین؛ از قدرت نظامی تا تاب‌آوری داخلی

تعریف بازدارندگی را گسترش دهند و فراتر از قدرت نظامی تفسیر کنند. براین اساس بازدارندگی صرفاً محصول قدرت سخت نیست. آنچه در سال‌های اخیر بیش از پیش اهمیت یافته، «بازدارندگی داخلی» است. مفهومی که بر انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی، مشروعیات حکمرانی و تاب‌آوری اقتصادی به‌عنوان مکمل‌های قدرت نظامی تأکید می‌کند. به عبارت دیگر در کنار قدرت سخت، قدرت نرم نیز به بخش جدایی‌ناپذیری از عناصر بازدارندگی تبدیل شده است. آنچه در نظریه‌های نوین امنیتی به‌خصوص در رویکرد مربوط به «بازدارندگی چند بعدی» و «امنیت جامع»، مطرح می‌شود، تأکید بر تعریف قدرت ملی در اثر برآیند چهارحوزه قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. حوزه‌هایی که البته می‌توانند باعث تقویت و تضعیف همدیگر شوند. بر اساس این تعریف جدید، دشمن زمانی از اقدام تهاجمی

در ادبیات کلاسیک مرتبط با امنیت ملی، مفهوم «بازدارندگی» عمدتاً با قدرت نظامی و توان دفاعی گره خورده است. تحت تأثیر تجربه دوره جنگ سرد و رقابت نظامی تسلیحات پیشرفته، توان موشکی، عمق راهبردی و آمادگی رزمی، منجر به صلح مسلح می‌شود و دشمن را از اقدام نظامی منصرف می‌کند. در اینکه این مؤلفه‌ها ستون فقرات بازدارندگی سنتی را شکل می‌دهند؛ تردیدی نیست. اما تجربه‌های معاصر، باعث شد، علم سیاست و روابط بین‌الملل



سعید نورمحمدی
عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان

ما، باید به‌گونه‌ای اصلاح شود که نه تنها در برابر تهدیدها مقاوم، بلکه بازدارنده نیز باشد. کشوری که خود را محور مقاومت در برابر ظلم، استکبار و سیاست‌های توسعه‌طلبانه صهیونیستی تعریف می‌کند، نخست باید ساماندهی درونی خود را با آرمان‌های مقاومت هماهنگ سازد. این هماهنگی بدان معناست که انقلابی‌گری و روحیه مقاومت روند تکم می‌کند. برخی افراد دانسته یا نادانسته، ناخواسته پدید آمده باشند، یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به بازدارندگی درونی فرآیند و کارآمد است. تا زمانی که میان آرمان مقاومت و زیست‌روزمره اقتصادی مردم و حاکمیت هماهنگی ایجاد نشود، نمی‌توان انتظار داشت که بازدارندگی‌ای فراتر از توان موشکی و نظامی شکل گیرد.

بنابراین ناترازی عمیقی که گاهی از سوی مسئولان نیز به آن اشاره می‌شود، ناشی از همین شکاف است. سیاست‌های خارجی مبتنی بر مقاومت منطقه‌ای و تقابل با نظام سلطه، با سبک زندگی مصرف‌گرا، الگوی تولید ناآرامد و روابط اقتصادی آسیب‌پذیر در داخل، سازگاری چندانی ندارد. این ناهماهنگی چه به اراده مقامات ناذیده گرفته شده باشد و چه ناخواسته پدید آمده باشد، یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به بازدارندگی درونی فرآیند و کارآمد است. تا زمانی که میان آرمان مقاومت و زیست‌روزمره اقتصادی مردم و حاکمیت هماهنگی ایجاد نشود، نمی‌توان انتظار داشت که بازدارندگی‌ای فراتر از توان موشکی و نظامی شکل گیرد.

نفوذ در افکار عمومی و برهم‌زدن انسجام ملی است که یکی از ابعاد مهم بازدارندگی است. در این میان، برخی رفتارهای داخلی، خواسته یا ناخواسته به این روند کمک می‌کند. برخی افراد دانسته یا نادانسته، ناخواسته پدید آمده باشند، یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به بازدارندگی درونی فرآیند و کارآمد است. تا زمانی که میان آرمان مقاومت و زیست‌روزمره اقتصادی مردم و حاکمیت هماهنگی ایجاد نشود، نمی‌توان انتظار داشت که بازدارندگی‌ای فراتر از توان موشکی و نظامی شکل گیرد.

نفوذ در افکار عمومی و برهم‌زدن انسجام ملی است که یکی از ابعاد مهم بازدارندگی است. در این میان، برخی رفتارهای داخلی، خواسته یا ناخواسته به این روند کمک می‌کند. برخی افراد دانسته یا نادانسته، ناخواسته پدید آمده باشند، یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به بازدارندگی درونی فرآیند و کارآمد است. تا زمانی که میان آرمان مقاومت و زیست‌روزمره اقتصادی مردم و حاکمیت هماهنگی ایجاد نشود، نمی‌توان انتظار داشت که بازدارندگی‌ای فراتر از توان موشکی و نظامی شکل گیرد.

نفوذ در افکار عمومی و برهم‌زدن انسجام ملی است که یکی از ابعاد مهم بازدارندگی است. در این میان، برخی رفتارهای داخلی، خواسته یا ناخواسته به این روند کمک می‌کند. برخی افراد دانسته یا نادانسته، ناخواسته پدید آمده باشند، یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به بازدارندگی درونی فرآیند و کارآمد است. تا زمانی که میان آرمان مقاومت و زیست‌روزمره اقتصادی مردم و حاکمیت هماهنگی ایجاد نشود، نمی‌توان انتظار داشت که بازدارندگی‌ای فراتر از توان موشکی و نظامی شکل گیرد.

منصرف می‌شود که علاوه بر اینکه هزینه نظامی حمله را بالا ببیند، اطمینان هم داشته باشد با حمله تمام عیار جامعه کشور هدف نیز از درون فرو رو نمی‌باشد و بحران داخلی ایجاد شده به فروغ‌نامی ظرفیت دفاعی منجر نمی‌شود. در این تعریف، بازدارندگی داخلی به معنای ایجاد وضعیت است که در آن دشمن نتواند بر شکاف‌های سیاسی به‌عنوان اهرم مکمل فشار خارجی حساب باز کند. بر همین اساس، نظریه «تاب‌آوری ملی»، به تأثیر پیوند دولت و جامعه می‌پردازد و این مسأله را مطرح می‌کند که هر چه قدر پیوند میان دولت و جامعه مستحکم‌تر، سرمایه‌های اجتماعی باشد و سازوکارهای حل‌وفصل اختلافات گام‌آزمدتر باشد، احتمال موفقیت راهبردی‌های دشمن کاهش پیدا می‌کند. حتی اگر این راهبردی ترکیبی از جنگ شناختی، فشار اقتصادی و اقدام نظامی باشد.

قدرتی که از درون جامعه می‌جوشد



احمد مازی
رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس دهم

عوامل بازدارندگی داخلی به مجموعه نیروها، شرایط یا سیاست‌هایی گفته می‌شود که از درون یک سیستم (فرد، سازمان یا کشور) مانع رفتارها یا اقداماتی می‌شوند که ممکن است زیانبار، خطرناک یا ناهماهنگ با اهداف کلان باشند.

در حوزه سیاست و امنیت ملی منظور از بازدارندگی داخلی، توانایی‌ها و ظرفیت‌های ملی است که دشمن را از حمله یا تهدید بازمی‌دارد، بدون وابستگی مستقیم به حمایت خارجی مانند:

- انسجام و وحدت ملی
- توان نظامی و دفاعی بومی
- اعتماد مردم به نظام سیاسی
- امنیت اقتصادی و خودکفایی در منابع

چنانکه در ابتدای یادداشت اشاره شد بازدارندگی داخلی در حوزه سیاست و امنیت ملی، به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و سازوکارهایی اطلاق می‌شود که از درون یک کشور شکل می‌گیرند و موجب می‌شوند دشمنان خارجی از تهدید، حمله یا دخالت در امور داخلی کشور منصرف یا محتاط شوند.

این عوامل معمولاً در مقابل بازدارندگی خارجی (یعنی اتحادها، ائتلاف‌ها یا حمایت‌های بین‌المللی) قرار می‌گیرند و به استقلال ملی تکیه دارند.

انسجام و وحدت ملی زمانی محقق می‌شود که مردم با دولت و نظام سیاسی همدل باشند،

مردم، اصل‌ترین عامل بازدارندگی



ناصر اجمانی
تحلیلگر مسائل سیاسی

در بازخوانی تجربه‌ای به غایت دشوار چون جنگ تحمیلی، اغلب چشم‌ها به سمت توجان موشکی، تجهیزات پیشرفته و قدرت عملیاتی نیروهای مسلح خیره می‌شود. بی‌تردید این مؤلفه‌ها سهم تعیین‌کننده در بازدارندگی دارند اما پرسشی که کمتر

به آن پرداخته شده، این است: اگر همان فضای اتحاد و حضور مردمی روزهای آغازین جنگ را نداشتیم و در کنار آن، قدرت نظامی و بازدارندگی کنونی نیز برپایمان مهیا بود، آیا بازهم می‌توانستیم چنین مقامی از خود نشان دهیم؟ پاسخ در یک عبارت خلاصه می‌شود: عامل اصلی پایداری مردم بودند. بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان و حتی سلاح‌های اتمی نیز نمی‌توانند جای خالی «بشپتوانه اجتماعی» را پر کنند. بدون اغراق و گزافه‌گویی، بازدارندگی اولیه و اصلین این سرزمین، همان مردم بودند؛ مردمی که در خیابان‌ها جاری شدند، از نظام و میهن دفاع کردند و بی‌آنکه واسطه‌های در کار باشند، جان برکف ایستادند. پس از آنان، نوبت به توان نظامی، تسلیحات و درایت رهبری شهید رسید که سال‌ها پیش، چنان برنامه‌ریزی کرده بود تا مبادا کشور در برهه‌های حساس از هم فرو یاشد. حاکمیت، لایه‌های دفاعی درونی خود را طراحی و نظامی را تدوین کرد که بتواند در برابر دو قدرت بزرگ جهان که هم‌زمان به ما تاختند، تاب بیابد. اما وقتی به «چه باید کرد» می‌رسیم، موضوع

پیچیده‌تر می‌شود. برای استوارسازی بازدارندگی اجتماعی، اولین گام، تغییر نگاه است؛ هم نگاه حاکمیت به مردم و هم نگاه مردم به یکدیگر. نباید همه چیز را از روزه حاکمیت تماشا کرد. بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان رشته‌های گوناگون، پیش از این جنگ بر نمی‌گردند مردم این سطح از همبستگی را نشان دهند. حتی بدبین‌ترین تحلیل‌ها نیز آن پایداری و ایستادگی را پیش‌بینی نمی‌کرد. پس زمان آن رسیده که نوع نگاه خود را به مردم بازتعریف کنیم. آن کس که گمان می‌رود بیگانه است، در هنگامه خطر چه بسا از همه دلسوزتر از آب درمی‌آید. این مردم، گوهری کم‌نظیر در تاریخ این سرزمین هستند.

در جنگ و درازده روزه نیز بسیاری گفتند و گوشزد کردند، اما آن اتفاق آنچه‌ان که باید، نیفتاد و باز خود مردم بودند که پیای کار آمدند. اینها فرصت‌هایی مغتنم‌اند که خداوند در طول تاریخ از همبستگی را نشان دهند. حتی بدبین‌ترین تحلیل‌ها نیز آن پایداری و ایستادگی را پیش‌بینی نمی‌کرد. پس زمان آن رسیده که نوع نگاه خود را به مردم بازتعریف کنیم. آن کس که گمان می‌رود بیگانه است، در هنگامه خطر چه بسا از همه دلسوزتر از آب درمی‌آید. این مردم، گوهری کم‌نظیر در تاریخ این سرزمین هستند.

در جنگ و درازده روزه نیز بسیاری گفتند و گوشزد کردند، اما آن اتفاق آنچه‌ان که باید، نیفتاد و باز خود مردم بودند که پیای کار آمدند. اینها فرصت‌هایی مغتنم‌اند که خداوند در طول تاریخ از همبستگی را نشان دهند. حتی بدبین‌ترین تحلیل‌ها نیز آن پایداری و ایستادگی را پیش‌بینی نمی‌کرد. پس زمان آن رسیده که نوع نگاه خود را به مردم بازتعریف کنیم. آن کس که گمان می‌رود بیگانه است، در هنگامه خطر چه بسا از همه دلسوزتر از آب درمی‌آید. این مردم، گوهری کم‌نظیر در تاریخ این سرزمین هستند.

در جنگ و درازده روزه نیز بسیاری گفتند و گوشزد کردند، اما آن اتفاق آنچه‌ان که باید، نیفتاد و باز خود مردم بودند که پیای کار آمدند. اینها فرصت‌هایی مغتنم‌اند که خداوند در طول تاریخ از همبستگی را نشان دهند. حتی بدبین‌ترین تحلیل‌ها نیز آن پایداری و ایستادگی را پیش‌بینی نمی‌کرد. پس زمان آن رسیده که نوع نگاه خود را به مردم بازتعریف کنیم. آن کس که گمان می‌رود بیگانه است، در هنگامه خطر چه بسا از همه دلسوزتر از آب درمی‌آید. این مردم، گوهری کم‌نظیر در تاریخ این سرزمین هستند.